

تحلیل ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱)

در فرض اعسار و ایسار زوج با توجه به قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (مصوب ۱۳۹۴)^۱

حسین کاویار^۲

سیرالله مرادی^۳

الهام نم‌نبات^۴

چکیده

امروزه میزان، نحوه پرداخت و وصول مهریه با بحران‌های زیادی روبرو است؛ تا جایی که قانونگذار بر آن شد با توجه به ویژگی خاص موضوع، در این خصوص اقدام به تصویب یک ماده برای رفع مشکلات و موانع اجرایی آن در قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱ کند. آنچه در این مقاله بررسی می‌شود، ماده ۲۲ قانون مزبور است که در خصوص مهریه، مقرراتی وضع کرده است که تا به حال در سیستم قضایی ایران مسبوق به سابقه نبود. رویکرد قانونگذار در تصویب ماده ۲۲ ق.ح.خ، کاهش توقیف اشخاص در قبال دین مدنی مهریه است. حبس زوج به دلیل عدم پرداخت مهریه یکی از معضلات اساسی دستگاه قضایی و خانواده‌هاست. به نظر می‌رسد با تصویب ماده ۲۲ ق.ح.خ و ابلاغ پاره‌ای سیاست‌های قضایی توسط ریاست قوه قضائیه و همچنین تصویب قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، معضل حبس بدهکاران مهریه تعدیل شود. سؤال اساسی مقاله حاضر این است که وضعیت مطالبه مهریه در فرض اعسار و ایسار مدیون با در نظر گرفتن قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (مصوب ۱۳۹۴) چگونه است و قانون مزبور چه تأثیری بر ماده ۲۲ ق.ح.خ دارد؟ در این مقاله، علاوه بر نگاهی گذرا بر وضعیت مهریه‌های سنگین در فقه امامیه، به بررسی پیشینه تصویب و تفسیر این ماده قانونی پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی

مهریه، اعسار، ایسار، حبس، ملائت

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۴/۳؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۹/۲۵

h.kaviar@umz.ac.ir

۲- دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

moradi-s@lit.sku.ac.ir

۳- استادیار گروه حقوق دانشگاه شهرکرد

۴- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میمه

enamnabat@yahoo.com

مقدمه

اهمیت اجتماعی خانواده، محرک و مشوق قانونگذار در حمایت از خانواده است و لذا هر مقرر و قاعده‌ای که قانونگذار تصویب و تأیید کند، می‌تواند در پایه‌ها و اساس خانواده اثرگذار باشد. پس باید در این زمینه با احتیاط و دقت نظر کامل، گام برداشت. حمایت از خانواده در ایران همواره مورد نظر قانونگذار بوده و قوانین مهمی را در حمایت از این مهم‌ترین نهاد مدنی - اجتماعی تصویب کرده است که آخرین آن‌ها لایحه حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ می‌باشد. آنچه در این مقاله بررسی می‌شود، ماده ۲۲ این قانون است، که در خصوص مهریه مقرراتی را وضع کرده است که تا به حال در سیستم قضایی ایران وجود نداشت. این مقاله علاوه بر نگاهی گذرا به وضعیت مهریه‌های سنگین در فقه امامیه، به بررسی پیشینه تصویب و تغییر و تکمیل این ماده قانونی می‌پردازد و به این سؤالات در ارتباط با ماده ۲۲ ق.ح.خ پاسخ می‌دهد که: علل و عوامل تصویب این ماده چه بوده است؟ آیا با تصویب این ماده برای مهریه سقف تعیین شده است؟ ملائت از نظر این ماده چیست و چه کسی باید آن را ثابت کند؟ وضعیت مطالبه مهریه‌هایی که قبل از تصویب این ماده صورت گرفته است، به چه نحوی خواهد بود و به بیان بهتر، آیا این ماده عطف به ماسبق شده است یا خیر؟

بیان مسأله

مسأله اساسی مقاله حاضر این است که وضعیت مطالبه مهریه در فرض اعسار و ایسار مدیون با لحاظ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (مصوب ۱۳۹۴) چگونه است؟ فی - الواقع قانون مزبور چه تأثیری بر ماده ۲۲ ق.ح.خ داشته است؟ به عبارت دیگر، آیا اکنون مفاد ماده ۷ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی توسط مفاد ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده در خصوص یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن تخصیص داده شده است یا خیر؟

مفهوم‌شناسی مصطلحات

مهریه: مهریه به فتح میم، واژه‌ای است عربی و جمع آن مهوور و مهوره است و به معنای عوض عقد نکاح به کار می‌رود. در اصطلاح حقوقی، «مهر» عبارت از مالی است که به مناسبت عقد نکاح، از سوی شوهر به زن تملیک می‌شود و شوهر ملزم به پرداخت آن به زن است.

اعسار: اعسار از ماده عربی «عسر» به معنی رنج، مشقت و سختی است و در اصطلاح حقوقی، ادعای ناتوانی از پرداخت مالی است که پرداخت آن اجباراً و ضرورتاً بر عهده شخص غیرتاجر است. مطابق ماده ۶ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی «معسر کسی است که به دلیل نداشتن مالی به جز مستثنیات دین، قادر به تأدیه دیون خود نباشد».

ایسار: ایسار از ماده عربی «یسر» می‌آید. در لغت، ایسار به معنای فراخ‌دست شدن و توانگر گشتن است. معنای اصطلاحی ایسار از معنای لغوی‌اش دور نیست. ایسار در اصطلاح، وضعیت شخصی است که در پرداخت دیونی که اجباراً و ضرورتاً بر ذمه‌اش است، توانگر شده است.

حبس: حبس در لغت به معنای بازداشتن و مکان بازداشت است. در اصطلاح، حبس، مجازاتی در فقه و حقوق است به معنای بازداشتن مجرم یا متهم از تصرف در برخی امور خویش و ایجاد محدودیت برای او.

ملائت: ملائت به فتح میم، ضد اعسار است که در فقه به آن یسار هم گفته می‌شود.

وضعیت فقهی حقوقی مهریه‌های هنگفت

مطابق قانون مدنی (ماده ۱۰۷۸) «هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد، می‌توان مهر قرار داد». بنابراین، طبق این ماده موضوع مهر باید مال باشد.^۱ این مال ممکن است عین معین یا عین مستقر در ذمه باشد.

۱- البته مهریه باید شرایط دیگری نیز داشته باشد که پرداختن مبسوط به آن، خارج از موضوع این مقال است.

۱- در فرض عین معین

اگر زوجه، وکیل زوج یا داور در تعیین مهر باشد، به اتفاق فقهای امامیه بیشتر از مهرالسنة نمی‌تواند تعیین کند (حلی، ۱۴۱۹هـ ج ۳، ص ۸۲؛ طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۴۲۷؛ جبعی عاملی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۱۷). ولی اگر زوجه پیشنهاددهنده باشد، هر مقداری را می‌تواند پیشنهاد دهد و در صورت توافق و قبول شوهر، آن مقدار مهر محسوب می‌شود. با وجودی که در فقه امامیه، اختیار زوجه در تعیین مهر محدود به مهرالسنة شده است، در قانون مدنی اختیار زوجه محدود به مهرالمثل است و بر همین اساس، عده‌ای از عدم پیروی قانون مدنی از نظر اتفاقی فقهی تعجب کرده‌اند (محقق داماد، ۱۳۸۷، ص ۲۵۳) و جهت رفع تعارض میان آن‌ها چنین استدلال کرده‌اند که اگر مقدار مهرالمثل انتخابی از طرف زوجه زاید بر مهرالسنة باشد، تا میزان پانصد درهم به عنوان مهرالسنة قلمداد می‌شود و مقدار زاید بر آن، عنوان هبه و یا صلح می‌یابد و از دو راه شرط بنایی و شرط ضمن عقد، شوهر متعهد می‌شود که در صورت تعیین مهرالمثل بیشتر از مهرالسنة، آن را بپذیرد (ایزدی فرد و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۴).

در صورتی که مهریه مال معین باشد، به هر میزان که باشد (از جهت حداکثر)، محدودیتی ندارد و پس از توافق زوجین و انعقاد عقد نکاح، مالکیت مهر معین به زن منتقل می‌شود. مستنبط از ماده ۳۳۸ ق.م و ۳۶۲ همان قانون، زوجه حق مالکیت مهری را که تعیین شده است، به مجرد تمام شدن توافق، کسب می‌کند و از این رو مالکیت فوراً به مجرد عقد انتقال می‌یابد. مستنبط از ماده ۳۶۱ ق.م اگر مهر عین معین باشد، باید حین العقد موجود باشد و اگر معلوم شود که آن عین در زمان عقد موجود نبوده، تعیین مهر باطل است.

به موجب ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ «هر کس به موجب حکم دادگاه به دادن هر نوع مالی به دیگری محکوم شود و از اجرای حکم خودداری کند، هر گاه محکوم‌به عین معین باشد، آن مال اخذ و به محکوم‌له تسلیم می‌شود و در صورتی که رد عین ممکن نباشد یا محکوم‌به عین معین نباشد، اموال محکوم‌علیه با رعایت مستثنیات دین و مطابق قانون اجرای احکام مدنی و سایر مقررات مربوط، توقیف و از

محل آن حسب مورد محکوم‌به یا مثل یا قیمت آن استیفاء می‌شود». ذکر این نکته لازم است که ماده ۲۲ ق.ح.خ در مورد مهریه معین منتفی است.

۲- در فرض کلی مافی‌الذمه

در فرضی که مهریه کلی مافی‌الذمه توافق می‌شود، باید قائل به تفکیک شد: موردی که زوج در زمان انعقاد عقد، معادل مال فی‌الذمه را در خارج داشته باشد، یا از قدرت تهیه آن برخوردار باشد و یا در مدت متعارف قدرت اکتسابی آن را به دست آورد، متفاوت است با موردی که شخص توانایی مالی در هنگام توافق و یا در مدت معقول ندارد. در مورد اول شبهه‌ای به صحت آن وارد نیست؛ زیرا هر زمانی که زوجه مطالبه نماید، زوج یا آن را پرداخت می‌کند یا زوجه قدرت توقیف مقدار مهر از اموال زوج را دارد و لذا زوج قدرت و امکان اجرای تعهدات خود را دارد و مشمول تعهدات غیر قابل اجرا نیست. لکن در مورد دوم، دو نظر وجود دارد: گروهی معتقدند ظرفیت ذمه نامحدود است و شخص هر قدری را که بخواهد می‌تواند مشغول‌الذمه شود (صانعی، ۱۳۸۴، ص ۴۲۷؛ زرقاء، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۹۱)؛ لکن به عقیده برخی دیگر، این دیدگاه تنها نسبت به مافی‌الذمه ناشی از مسؤولیت مدنی صحیح است و در خصوص موضوع بحث که توافقات ارادی است، اعتماد بر آن مشکل است (وحدتی شبیری، ۱۳۸۷، ص ۱۸۴)؛ زیرا هر چند ذمه ظرفی اعتباری است، ولی لازم است ظرفیت ذمه هر شخصی به نسبت توان مالی حال و آینده قابل پیش‌بینی او محدود شود؛ چرا که به این اموال اعتباری، اثر مترتب است و آن عبارت است از مدیون شدن صاحب ذمه و تعهد او به پرداخت در قبال طلبکار و صرف طلبکاری و بدهکاری بدون پرداخت و استیفای مقصود عقلاً نیست.

علاوه بر این، در صورت عدم توانایی صاحب ذمه چنین اعتباری از مصادیق تعهدات غیرمقدور است، که به اتفاق تمام صاحب‌نظران تکلیف به مالایطاق محال است و ادله صحت عقود و تعهدات شامل آن نمی‌شود (حسینی‌مراغی، ۱۴۱۸هـ ق، ص ۴۰۳). لذا ظرفیت ذمه اشخاص در تعهدات ارادی محدود به توان مالی حال و آینده متعارف آنان است و در توافق بر مهر که هدیه‌ای است که زوج برای جلب رضایت زوجه بر عهده گرفته است،

بدون توجه به توان مالی متعهد، پرداخت آن غیرعقلایی و باطل است.

از طرف دیگر، اگر در شرایط مال مافی‌الذمه مذاقه شود، روشن می‌گردد که برخی از این شرایط در مهریه‌های سنگین موجود نیست. از جمله این‌که به اعتقاد گروهی متعهد و متعهدله باید قصد جدی در مورد مافی‌الذمه داشته باشند (نراقی، ۱۴۱۷هـ.ق، ص ۵۱۱؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۵هـ.ق، ص ۱۴۳). در صورتی که در مهریه، طرفین در زمان انعقاد، چنین قصدی را ندارند؛ زیرا شاید میزان مهریه فوق طاققت زوج باشد و زوجه نیز قصد جدی و جازم در مطالبه طلب نداشته باشد.

از شروط دیگر مافی‌الذمه توان مالی شخص در هنگام توافق است؛ به این دلیل که از دیدگاه عقلا معقول نیست که شخصی چیزی را به زمه بگیرد که در تمام عمر امکان تهیه آن برای او قابل پیش‌بینی نباشد. لذا چون شوهر قدرت بر تسلیم ندارد، چنین مهری باطل است (شهیدی، ۱۳۷۵، ص ۵۱). همچنین عقد مهری که زوج متعارف در شرایط ویژه دو طرف، توان تسلیم یا اجرای تعهد را نداشته باشد و عرف نیز این ناتوانی را همیشگی بداند، باطل است؛ مگر آن‌که متعهدله قادر بر تسلیم در فرض تعهد عینی باشد (کاتوزیان ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۴۸).

اما به عقیده گروهی دیگر، نه تنها تردید در قدرت بر تسلیم خللی به صحت مهر وارد نمی‌سازد، بلکه علم به عدم امکان تسلیم مهر بلافاصله از عقد نیز، چنان‌چه با علم دو طرف به این امر همراه باشد، درستی مهر را مخدوش نمی‌کند و همین که احتمال توانایی بر پرداخت، هرچند به صورت تدریجی برود، کافی است که مهر را صحیح بدانیم. علی‌رغم آن‌که رقم مهر با توجه به شرایط کنونی شوهر بسیار سنگین باشد. چه بسا وضعیت شوهر بر اساس وقایع پیش‌بینی نشده همچون ارث مال فراوان تغییر کند و توانایی پرداخت مهریه سنگین را بیابد، و لذا توانایی بر تسلیم در موارد اشتغال زمه در جایی شرط است که عقد معاوضی و مبتنی بر دادوستد باشد و الا کسی که مالی را بر عهده گرفته است، زمه او مشغول است. هر چند بالفعل توانایی پرداخت آن را نداشته باشد و همچنین رضای ضمنی زوجه به مهریه‌ای که فعلاً مقدور التسلیم نمی‌باشد و این رضایت از عرف کنونی جامعه به دست می‌آید، مؤید صحت چنین مهری می‌باشد (وحدتی شبیری، ۱۳۸۷، ص ۱۹۸).

لکن به نظر می‌رسد اعلام بطلان مهریه‌های سنگین در وضعیت کنونی جامعه با توجه به سهم بالای آن‌ها و با عنایت به اصل مهم احترام به آزادی اراده طرفین در انعقاد قراردادها و ماده ۱۰۸۰ ق.م.ا و رویه محاکم در حال حاضر موضوع را با مشکلات و معضلات فراوانی روبرو خواهد کرد.

پس از ارائه مطالبی مختصر در خصوص مهریه‌های سنگین لازم است در ادامه، بنا به هدف مقاله به بررسی پیشینه تصویب ماده ۲۲ ق.ح.خ پرداخته می‌شود.

پیشینه تصویب ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده

ماده ۲۲ ق.ح.خ با کشوقوس‌های بسیار روبه‌رو بود تا آن‌که نهایتاً به شکل کنونی تصویب گردید.^۲

این ماده که ابتدا در ماده ۲۵ لایحه حمایت از خانواده گنجانده شده بود، مقرر می‌داشت که: «وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است از مهریه‌های بالاتر از حد متعارف و غیرمنطقی با توجه به وضعیت زوجین و مسائل اقتصادی کشور متناسب با افزایش میزان مهریه به صورت تصاعدی در هنگام ثبت ازدواج مالیات وصول نماید. میزان مهریه متعارف و میزان مالیات با توجه به وضعیت عمومی اقتصادی کشور به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به وسیله وزارت امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد».

به نظر کارشناسان، این ماده که توسط دولت به لایحه حمایت خانواده اضافه شده بود، در صدد محدود کردن میزان مهریه بود. آنان معتقد بر این بودند که بالا بودن میزان مهریه در نکاح در سال‌های اخیر معضلات بسیاری را ایجاد کرده است که به خصوص با توجه به قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ که براساس آن، پرداخت نشدن مهریه می‌تواند موجب بازداشت زوج گردد و از این رو زندانیان

۱- ماده ۱۰۸۰ ق.م.ا: «تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است».

۲- نک: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳

زیادی از این حیث در زندان‌ها به سر می‌برند، حائز اهمیت بوده و بر این اساس هر چند که در شرع و فقه اسلام محدودیتی برای تعیین مهریه‌های بالا وجود ندارد، به خاطر مصالح اجتماعی و عمومی حکومت اسلامی، دولت می‌تواند به عنوان حکم ثانوی، محدودیتی را برای مهریه تعیین کند و از آثار سوء آن، تا حد ممکن جلوگیری نماید.

لکن متصدیان امر معتقد بر این بودند که ماده پیشنهادی دارای ایراداتی است:

اولاً- مبهم است و منظور از مهریه‌های بالاتر از حد متعارف و غیرمنطقی و همچنین وضعیت زوجین و مسائل اقتصادی کشور مشخص نیست؛ ثانیاً- واگذار کردن تعیین میزان مالیات به آیین‌نامه برخلاف قواعد حقوق عمومی است و اساساً میزان مالیات باید به موجب قانون معین گردد؛ ثالثاً- روشن نیست این مالیات از چه کسی باید اخذ شود. البته متبادر به ذهن آن است که این مالیات، مالیات بر درآمد است و باید از زوجه اخذ شود؛ در حالی که اطلاق درآمد به مهریه با شأن نکاح سازگار نیست و اخذ آن از زوجه‌ای که هنوز اصل مهریه را وصول نکرده است، قابل توجیه به نظر نمی‌رسد.

لذا پیشنهاد کردند که این ماده حذف شود و راه‌های دیگری برای حل معضل دنبال گردد. مثلاً تصریح شود که ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ درباره مهریه اجرا نگردد. راه دیگر آن بود که ثبت مهریه تنها تا یک مبلغ خاصی در قبale‌های ازدواج صورت گیرد یا این‌که مهریه تا یک میزان خاص عندالمطالبه و بقیه عندالاستطاعه باشد.

علی‌رغم رد نظریات فوق، در خصوص راه‌حل اخیر، یعنی استفاده از ثبت شرط عندالاستطاعه برای کاهش مهریه‌های سنگین در سند ازدواج، طی بخشنامه شماره ۵۳۹۵۸/۳۴/۱ در ۸۵/۱۱/۷ به تمام سردفتران ثبت ازدواج، ابلاغی در این خصوص صورت

۱- بخشنامه به قرار ذیل است: «سردفتران ازدواج مکلف‌اند در موقع اجرای صیغه عقد و ثبت واقعه ازدواج، در صورتی‌که زوجین در نحوه پرداخت مهریه، بر عندالاستطاعه مالی زوج توافق نمایند، به صورت شرط ضمن عقد درج و به امضای زوجین برسانند».

بنابر اصول اولیه فقهی و حقوقی، هر بدهی و هر دینی «حال» است و به تعبیر دیگر، مدیون موظف و مکلف به پرداخت فوری است مگر آن‌که برای پرداخت؛ زمان یا شرایط خاصی پیش‌بینی شده باشد. مهریه نیز از این

گرفت، ولی مورد استقبال چندانی واقع نشد. تا آن‌که در سال ۱۳۸۷ این موضوع در سند رسمی ازدواج درج شد تا در صورت تمایل به امضای زوجین برسد. این شرط بدین صورت در اسناد نکاحیه از سال ۱۳۸۸ درج گردید که: «بند ج - نحوه پرداخت صداق ۱- میزان... بر ذمه زوج است که عندالمطالبه به زوج پرداخت نماید. ۲- میزان... بر ذمه زوج است که در صورت استطاعت مالی زوج به زوج پرداخت نماید».

اما با کمی دقت در متن آن متوجه می‌شویم که این راه‌حل اولاً توافقی است و ثانیاً موضوع مهر سنگین را برطرف نمی‌کند، بلکه مشکل حبس مردان ناتوان از پرداخت مهریه را تا حدی حل می‌کند؛ زیرا زوج حق مطالبه آن را در صورتی خواهد داشت که شوهر توانایی پرداخت مالی را داشته باشد. در این فرض، مهر از اموال زوج پرداخت می‌شود و نوبت به حبس نمی‌رسد.

به هر حال، در ادامه بررسی لایحه و با ردّ متن ماده ۲۵، ماده‌ای را ذیل عنوان ماده ۲۴ در خصوص مهریه به شرح ذیل مطرح کردند که «دولت باید از طریق دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌های عمومی در جهت ترویج فرهنگ ازدواج و رعایت برقراری مهریه‌های متعارف اقدامات لازم را به عمل آورد.

تبصره ۱- میزان مهریه متعارف با توجه به وضع عمومی اقتصادی کشور هر سه سال یکبار از طرف رئیس قوه قضائیه اعلام می‌شود.

تبصره ۲- هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد به میزان متعارف باشد و زوج در صورت حال شدن مهریه از پرداخت آن امتناع کند، مشمول مقررات ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی می‌باشد.

قانون کلی مستثنا نیست. در ماده ۱۰۸۲ ق.م. نیز به این قاعده تصریح شده است. پس به مجرد آن‌که عقد ازدواج منعقد شد، زن حق دارد مهریه خود را درخواست و دریافت کند؛ مگر آن‌که برای پرداخت مهریه شرایط خاصی مقرر شده باشد و لذا در ماده ۱۰۸۳ ق.م. پیش‌بینی شده است که زوجین بتوانند برای تأدیه تمام یا قسمتی از مهریه، مدت یا اقساطی قرار دهند. حتی این امکان وجود دارد که شرط شود که تا مدت معینی زوج حق مطالبه نداشته باشد. به عبارت دیگر، هر شرطی که مخالف قانون نباشد، قابل توافق و نوشته شدن است. جالب توجه این‌که ممکن است توافق شود پرداخت مهریه را شخص ثالثی بر عهده بگیرد.

تبصره ۳- چنانچه مهریه مقرر، از میزان مهریه متعارف در سال وقوع عقد بیشتر باشد، در خصوص مازاد صرفاً ملائت زوج ملاک پرداخت است.

تبصره ۴- مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز لازم الرعایه است» (گزارش شور دوم کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس، ۱۳۸۹/۲/۲۲).

اما ایرادهایی که بر این ماده پیشنهادی وارد شد، به این ترتیب بود که در تبصره اول این ماده به رئیس قوه قضائیه اختیار داده شده بود که هر سه سال یکبار میزان «مهریه متعارف» را مشخص کند. بدیهی است که میزان مهریه با توجه به مشخصات دختر، پایگاه اجتماعی و اقتصادی او و خانواده او بسیار متفاوت است و نمی‌توان مهریه‌ای متعارف برای تمامی افراد در یک کشور تعیین کرد. همچنین معیار مهریه متعارف مشخص نگردید و از طرف دیگر الزام زوج به پرداخت مهریه مازاد بر مهریه متعارف منوط به ملائت وی گردید و به بیان بهتر زوجه نمی‌توانست، نسبت به مازاد مهریه متعارف بازداشت زوج را درخواست کند و اصولاً دادگاه حق الزام مرد به پرداخت مهریه مازاد به مهریه متعارف را نداشت، مگر آن‌که تمکن مالی مرد را احراز کند که این مخالف اصل آزادی اراده طرفین بود.

بنابراین، قانونگذار به تصور این‌که تنها علت زیاد بودن مهریه، بازداشت و حبس مردان به علت نپرداختن آن است، در صدد رفع این مشکل برآمده و با الزام رئیس قوه قضائیه به تعیین مبلغ مهریه به عنوان مهریه متعارف، مردان را از بازداشت به علت نپرداختن مهریه مازاد بر مهریه متعارف معاف کرد، که این شیوه قانونگذاری حتماً مشکلات عدیده شرعی و قانونی را به همراه داشت.

به هر حال، این ماده نیز مورد توجه قانونگذار واقع نشد و این نتیجه از آن حاصل شد که اساساً مهریه‌های سنگین با دخالت قانونگذار قابل حل و فصل نیست و این مسأله بیشتر جنبه فرهنگی و اجتماعی به خود می‌گیرد. لذا تصمیم بر این شد که حیطه دخالت دولت در این خصوص محدود گردد.

با همه این اوصاف و دلایل، قانونگذار مجدداً جای خالی یک ماده در خصوص مهریه را در قوانین خانواده خالی دید و تصمیم گرفت که ماده جدیدی را به تصویب برساند. در سال ۱۳۸۹ ماده ۲۵ لایحه دولت، به شرح ذیل احیا شد: «در صورتی که مهریه توسط

زوجه مطالبه گردد و دادگاه تشخیص دهد که میزان مهریه بالاتر از حد متعارف است، ابتدا سعی در تصالح داشته و در غیر این صورت حکم به پرداخت مهرالمثل خواهد داد. تبصره - حد متعارف مهریه توسط کارشناس واجد شرایط از طرف زوج، از طرف زوجه و از طرف دادگاه تعیین خواهد شد».

ایرادهایی که بر این ماده وارد گردید علاوه بر عدم تعیین حدود مهریه متعارف، طولانی کردن روند رسیدگی جهت تعیین کارشناس و جریان کارشناسی تا قطعیت آن و همچنین کندی رسیدگی پرونده‌های مهریه بود. لذا این ماده نیز مورد توجه قانونگذار واقع نگردید و پیشنهاد رد آن صادر شد.

نتیجه آن‌که در تاریخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۲ ماده‌ای در خصوص موضوع مهریه تحت عنوان ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مطرح و سپس مورد تأیید و تصویب قانونگذار قرار گرفت. متن ماده بدین شرح است: «هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه بیشتر از این میزان باشد، در خصوص مازاد فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است».

بالا بودن میزان مهریه و اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، کم رنگ کردن مهریه به عنوان ابزاری در دست بانوان و در نهایت، توجه به مبانی فقهی و شرعی و البته با توجه به این‌که در شرع محدودیتی برای تعیین مهریه وجود ندارد،

۱- در میزان مهر بین فقهای امامیه اختلاف وجود دارد؛ اکثریت فقهای امامیه معتقدند که مستحب است مبلغ یا مقدار مهر بسیار کم باشد و از مهرالسنة تجاوز نکند. ولی به هر مبلغی که زوجین توافق کنند ولو چندین برابر مهرالسنة باشد، صحیح و ده‌است و تأدیه آن بر مرد واجب است (حلی، ۱۴۱۰هـ - ۵۴۳: خمینی، ۱۴۰۳هـ - ص ۲۹۷). گروه دیگر معتقدند مهر نباید از پانصد درهم، معادل پنجاه دینار تجاوز کند و چنانچه بیش از آن مقرر گردد، به همین مقدار برگشت خواهد کرد. این مقدار را اصطلاحاً مهرالسنة نامیده‌اند. به جهت آن‌که رسول الله تمامی همسران خویش را به این مقدار کابین بست (علم‌الهدی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۴)؛ لکن در ماده ۱۰۸۰ ق.م میزان مهریه منوط به تراضی طرفین است و قانون مدنی در این مسأله از قول مشهور فقهای امامیه پیروی کرده است.

قانونگذار را بر آن داشت که در خصوص مهریه اقدام به تنظیم یک ماده قانونی کند. لذا وی سعی در پایین آوردن مهریه، بدون در نظر گرفتن علل تمایل دختران و خانواده‌های آنان در تعیین مهریه بالا و در واقع پرداختن به معلول بدون توجه به علت بود.

تحلیل حقوقی ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده

همان‌گونه که در پیشینه تصویب ماده گفته شد، این ماده فراز و نشیب‌های بسیاری را پیموده تا به شکل کنونی خود تصویب شده است. بر اساس این ماده «هر گاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه بیشتر از این میزان باشد، در خصوص مازاد فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است».

۱- موضوع ماده

در ابتدای ماده چنین مقرر شده است که «هر گاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد».

قانونگذار در این ماده به مورد غالب نوع مهر یعنی سکه توجه داشته است. سکه در این ماده موضوعیت ندارد و به همین دلیل معادل آن به ریال یا پول دیگر هم مشمول ماده مزبور است (صفایی و امامی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۴). لذا قید هر چیزی که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد (ماده ۱۰۷۸ ق.م)، شامل این ماده می‌گردد.

مسأله‌ای که در این جا مطرح می‌شود، این است که در خصوص مهریه‌های سال‌های قبل، محاسبه میزان سکه بر اساس سکه بهار آزادی طرح جدید است یا طرح قدیم؟ نظریه مشورتی شماره ۷/۵۲۷۰ مورخ ۱۳۸۰/۶/۳ چنین می‌گوید: «تا قبل از ضرب سکه بهار آزادی با طرح جدید سکه‌ها با نقش قدیم بوده و لذا مهریه‌ها بر اساس آن‌ها بوده است و قطعاً منظور طرفین، سکه مذکور با طرح قدیم است و از آن به بعد چنانچه دلایل و مدارکی اعم از شهود، قراین و امارات و غیره باشد که منظور طرفین را مشخص کند، به

همان ترتیب محاسبه می‌شود. در غیر این صورت با توجه به ماده ۲۷۹ ق.م.ز.ج را نمی‌توان مجبور به پرداخت سکه بهار آزادی با قیمت بیشتر نمود». نکته دیگر این‌که، ملاک میزان مهریه، زمان وقوع عقد است نه بعد از آن. پس اگر حین العقد میزان مهریه ۱۰۰ سکه بود و بعد از عقد زوجین مهریه را به ۲۰۰ سکه افزایش دهند^۱ تا ۱۰۰ سکه مورد حمایت ماده ۲۲ ق.ج.خ خواهد بود نه ۱۱۰ سکه (قربان‌وند، ۱۳۹۳، ص ۱۱۶).

۲- ارتباط ماده ۲۲ ق.ج.خ با ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی: ضمانت اجرای کیفری یا مدنی؟

در ادامه ماده چنین آمده است که «وصول آن مشمول مقررات ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی^۲ است». این عبارت ناظر به ضمانت اجرای این ماده است؛ در حقیقت می‌توان گفت ماده ۲۲ ق.ج.خ میزان مهریه را محدود نکرده و فقط ضمانت اجرای مهریه مازاد بر ۱۱۰ سکه را کاهش داده است.

مطابق ماده ۲، مدیون ابتدا الزام به تأدیه می‌شود؛ اگر الزام میسر نشود، اموال وی ضبط

۱- مستفاد از قسمت «ب» بند ۱۵۱ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی، افزایش مهریه پس از عقد جایز بود. در پی شکایت تقدیمی به دیوان عدالت اداری، این بخشنامه طی رأی شماره ۴۸۸ هیأت عمومی دیوان، ابطال شد و امکان افزایش مهریه منتفی گردید. بنگرید به: شکری، ۱۳۹۱، ص ۱۴۷ به بعد. لذا در حال حاضر، میزان افزایش یافته بر مهر بعد از عقد عنوان «مهر» ندارد بلکه ممکن است هبه یا صلح باشد.

۲- ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷: «هرکس محکوم به پرداخت مالی به دیگری شود چه به صورت استرداد عین یا قیمت یا مثل آن و یا ضرر و زیان ناشی از جرم یا دیه و آن را تأدیه ننماید، دادگاه او را الزام به تأدیه نموده و چنانچه مالی از او در دسترس باشد، آن را ضبط و به میزان محکومیت از مال ضبط شده استیفاء می‌نماید و در غیر این صورت، بنا به تقاضای محکوم‌له، ممتنع را در صورتی که معسر نباشد، تا زمان تأدیه حبس خواهد کرد».

تبصره - چنانچه موضوع این ماده صرفاً دین بوده و در ذمه مدیون باشد، دادگاه در حکم خود مستثنیات دین را منظور خواهد داشت و در مورد استرداد عین در صورتی مقررات فوق اعمال می‌شود که عین موجود نباشد، به جز در بدل حیلوله که برابر مقررات مربوطه عمل خواهد شد».

و توقیف می‌شود و در غیر این صورت در صورت عدم اثبات اعسار، حبس می‌شود. به موجب ماده ۲۲ ق.ح.خ تا ۱۱۰ سکه، ضمانت اجرای مدنی و کیفری برای مهر مقرر شده است. ضمانت اجرای کیفری مهر مذکور آن است که اگر مرد از پرداخت آن امتناع کند و دادخواست اعسار هم ندهد یا ادعای اعسار او رد شود، برابر ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (مصوب ۱۳۷۷) با تقاضای زن، تا زمان تأدیه حبس می‌شود. اما نسبت به مازاد بر ۱۱۰ سکه ظاهراً ضمانت اجرای کیفری وجود ندارد و زوجه فقط می‌تواند از طریق مدنی و با مراجعه به دادگاه و اثبات ملائت زوج حق خود را استیفاء کند (صفایی و امامی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۴).

اما در نظرات شورای نگهبان هنگام بررسی ماده ۲۲ ق.ح.خ تفسیر دیگری مشاهده می‌شود: «قانونگذار حمایت کیفری خویش نسبت به بیش از این میزان (۱۱۰ سکه) را منوط به اثبات ملائت زوج کرده است» (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳، ص ۴۶). از این تفسیر برداشت می‌شود که نسبت به مازاد ۱۱۰ سکه، در صورتی ضمانت اجرای کیفری وجود دارد که زوجه (محکوم‌له) بتواند ملائت زوج (محکوم‌علیه) را ثابت کند.

۳- ارتباط ماده ۲۲ ق.ح.خ با اصلاحیه بند «ج» ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی

موضوع ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (مصوب ۱۳۹۱/۴/۳۱)

با عنایت به صراحت ماده در خصوص ۱۱۰ سکه، که آن را مشمول ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی دانسته است، آیا این ماده مشمول اصلاحیه بند «ج» ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (مصوب ۱۳۹۱/۴/۳۱) می‌شود که به نوعی در آن، اصل بر اعسار قرار داده شده است و خواهان باید بدو ملائت خوانده را اثبات و سپس تقاضای اعمال ماده ۲ کند، یا با توجه به تصویب ماده ۲۲، آیین‌نامه مذکور نسخ شده است؟

اصلاحیه بند «ج» ماده ۱۸ آیین‌نامه مزبور مقرر می‌دارد: «هر گاه محکوم‌علیه، محکوم‌به را تأدیه ننماید به طریق ذیل عمل می‌شود:

الف- چنانچه موضوع محکومیت استرداد عین مال باشد، آن مال عیناً اخذ و به ذی‌نفع

تحویل می‌شود و اگر رد آن ممکن نباشد، بدل آن (مثل یا قیمت) از اموال محکوم‌علیه بدون رعایت مستثنیات دین استیفا می‌گردد؛ ب- در مورد سایر محکومیت‌های مالی، با رعایت مستثنیات دین، مطابق مقررات قانون اجرای احکام مدنی، مال وی جهت استیفای محکوم‌به توقیف و به فروش می‌رسد؛ ج- در سایر موارد چنانچه ملائت محکوم‌علیه نزد قاضی دادگاه ثابت نباشد، از حبس وی خودداری و چنانچه در حبس باشد، آزاد می‌شود.

تبصره - در صورتی که برای قاضی دادگاه ثابت شود محکوم‌علیه با وجود تمکن مالی از پرداخت محکوم‌به خودداری می‌کند، با درخواست محکوم‌له و با دستور قاضی دادگاه، تا تأدیه محکوم‌به حبس می‌شود».

در پاسخ به سؤال یاد شده، می‌توان گفت که این آیین‌نامه با امعان نظر به فتاوی امام خمینی (قدس سره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله العالی) با اصلاحات مذکور در عمل اصل را بر اعسار زوج قرار داده است؛ زیرا در ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، ممتنع چنانچه معسر نبود، تا زمان تأدیه حبس می‌گردید؛ اما مفهوم مخالف بند «ج» ماده ۱۸ آیین‌نامه، مبین آن است که، ممتنع تنها در صورتی حبس می‌شود که ملّی باشد و لذا اشاره قانون‌گذار به اجرای ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در خصوص مهریه تا ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن مبین اجرای آیین‌نامه آن نیز می‌باشد؛ زیرا اذن در شیء اذن در لوازم آن نیز هست.

وفق این اصلاحیه (بخشنامه رئیس قوه قضائیه)، بار اثبات ملائت زوج بر عهده زوج است و تا ملائت شوهر و امتناع او از پرداخت مهر به اثبات نرسد، زوج به زندان نمی‌رود. در حالی که تا پیش از این، بار اثبات اعسار به عهده مدیون (شوهر) بود و هر گاه وی نمی‌توانست اعسار خود را ثابت کند، حبس می‌شد. این اصلاحیه در صورتی که اجرایی شود، حبس افراد برای عدم پرداخت را محدود خواهد کرد و تحویلی مثبت در حقوق ایران به شمار می‌رود. هر چند که با ظاهر ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی سازگار نیست^۱ (صفایی و امامی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۷۶). شایان توجه است تا پیش از اصلاح

۱- اصلاحیه بند «ج» ماده ۱۸ آیین‌نامه به موجب بخشنامه ریاست قوه قضائیه صورت گرفت. این سؤال مطرح می‌شود که در صورت تعارض آیین‌نامه با قانون کدام حکومت دارد؟ مبرهن است آیین‌نامه اجرایی هیچ‌گاه

آیین‌نامه، شوهر به دلیل امتناع از پرداخت دین خود به همسرش فارغ از میزان آن به تجویز ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، تا زمانی که اعسار خود را ثابت می‌کرد محبوس می‌شد؛ لکن با اصلاح آیین‌نامه در سال ۱۳۹۱، دیگر زوج به دلیل امتناع از پرداخت مهریه، روانه زندان نمی‌شود، مگر آن‌که همسرش ملأثت وی را ثابت کند.

با توجه به انتقاداتی که پس از اصلاح بند «ج» ماده ۱۸ آیین‌نامه صورت گرفت، برای رفع برداشت‌های معارض به شرح ذیل استعلامی از سوی اداره حقوقی قوه قضائیه صورت گرفت:

«بازگشت به استعلام شماره ۹۰۳۰/۲۹۳/۳۸۵۶ مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۱، نظریه مشورتی این

اداره کل به شرح زیر اعلام می‌شود:

در مورد اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و اصلاحیه بند جماده ۱۸ و آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده ۶ قانون مذکور اصلاحی مورخ ۱۳۹۱/۴/۳۱ ریاست محترم قوه قضائیه مراتب ذیل متذکر می‌گردد:

۱- وضعیت محکوم‌علیه مالی مدعی اعسار از دو حالت کلی خارج نیست: یا از نظر اعسار و ایسار معلوم‌الحال است یا مجهول‌الحال. در صورت اول، به مقتضای حال او عمل می‌شود؛ مانند کسی که حکم اعسارش قبلاً صادر شده است. در صورت دوم بنابر نظر مشهور فقها باید قائل به تفکیک شد: به این ترتیب که چنانچه دین ناشی از قرض و یا معاملات معوض باشد و مدیون اکنون مدعی اعسار شده است، بقای مال نزد وی استصحاب و در نتیجه

نمی‌تواند نسخ قانون مصوب مجلس باشد. بنابراین هر گونه برداشتی از آیین‌نامه مورد گفت‌وگو باید در چارچوب قوانین موضوعه کنونی باشد. اصل ۱۷۰ قانون اساسی به سؤال فوق این گونه پاسخ داده که: «قضات دادگاه‌ها مکلف‌اند از اجرای تصویب‌نامه و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است، خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند».

شورای نگهبان در یک نظریه تفسیری به شماره ۸۳/۳۰/۹۳۸۷ به تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۱ مقرر داشت: «با توجه به قرینه قوه مجریه در قسمت اخیر اصل ۱۷۰، مقصود از تعبیر "دولتی" در این اصل، قوه مجریه است». لذا اصل ۱۷۰ ق.ا. منصرف از آیین‌نامه‌های رییس قوه قضائیه است. به نظر می‌رسد طبق قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» می‌توان بین آیین‌نامه مزبور و قوانین موضوعه مربوطه جمع کرد که در ادامه مقاله به این جمع خواهیم پرداخت.

ادعای خلاف آن با ارائه دلیل از ناحیه مدعی اعسار باید ثابت شود و تا آن هنگام به عنوان بدهکار ماطل یا ممتنع حبس می‌شود و در سایر موارد که بدهکار بابت بدهی به طور مستقیم یا غیرمستقیم مالی اخذ نکرده است، مانند ضمان ناشی از دیات، اصل عدم جاری می‌شود؛ زیرا انسان بدون دارایی متولد می‌شود و دارایی امری حادث است و وجود آن نیاز به دلیل دارد. تنها در این صورت حبس چنین شخصی که اصل، موافق ادعای اوست و تکلیف او به اثبات ادعایش، خلاف شرع و ادعای او با سوگند پذیرفته می‌شود.^۱

۲- با توجه به منطوق مواد ۲ و ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و قانون اعسار مصوب سال ۱۳۱۳ و رأی وحدت رویه شماره ۷۲۲ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۳، روشن است که اعسار امری ترافعی و مصداق دعوی حقوقی است که در مورد اشخاص مجهول‌الحالی که ادعای خلاف اصل می‌نمایند، باید با رعایت تشریفات قانونی رسیدگی و پس از بررسی ادله طرفین نسبت به آن حکم صادر شود.

۳- با حفظ مقدمات فوق، بند جاصلاحی مورخ ۱۳۹۱/۴/۳۱ ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی قانون فوق‌الذکر منافاتی با موارد قانونی مذکور نداشته و قاضی رسیدگی‌کننده با توجه به هر یک از شرایط گفته‌شده به درخواست محکوم‌علیه و نیز ادعای اعسار محکوم‌علیه

۱- این رویکرد در فقه مسبق به سابقه است. شهید ثانی گوید: «فإن ادعی الإعسار و هو عجزه عن أداء الحق لعدم ملكه لما زاد عن داره و ثیابه اللائقة بحاله و دابته و خادمه كذلك، و قوت یوم و ليله له و لعیاله الواجبی النفقہ. و ثبت صدقه فیہ ببینه مطلعہ علی باطن أمره مراقبه له فی خلواته، واجده صبره علی ما لا یصبر علیہ واجد المال عاده حتی ظهر لها قرائن الفقر، و مخایل الإضاقه، مع شهادتها علی نحو ذلك بما یتضمن الإثبات، لا علی النفی الصرف، أو بتصدیق خصمه له علی الإعسار، أو كان أصل الدعوی بغیر مال، بل جنایه أوجبت مالا، أو إتلافا فإنه حیثئذ یقبل قوله فیہ، لأصاله عدم المال، بخلاف ما إذا كان أصل الدعوی مالا فإن أصاله بقائه تمنع من قبول قوله، و إنما یثبت إعساره بأحد الأمرین: البینه، أو تصدیق الغریم و ظاهره أنه لا یتوقف مع البینه علی الیمین و هو أجدد القولین، و لو شهدت البینه بالإعسار فی القسم الثانی فأولی بعدم الیمین، و علی تقدیر كون الدعوی لیست مالا و حلف علی الإعسار ترک إلى أن یقدر، و لا یکلف التکسب فی المشهور، و إن وجب علیہ السعی علی وفاء الدین، و إلا یتفق ذلك بأن لم یقم بینه، و لا صادقه الغریم مطلقا، و لا حلف حیث لا یكون أصل الدعوی مالا حبس و بحث عن باطن أمره حتی یعلم حاله فإن علم له مال أمر بالوفاء، فإن امتنع باشره القاضی و لو بیع ماله إن كان مخالفا للحق، و إن علم عدم المال، أو لم یف الموجود بوفاء الجميع أطلق بعد صرف الموجود» (شهید ثانی، ۱۴۱۰هـ ج ۳، ص ۱۸۳-۱۸۴هـ، ص ۴، ج ۴، عراقی، بی تا، ص ۱۷۹-۱۸۰؛ طبسی، بی تا، ص ۴۰۳).

مطابق مقررات قانونی و شرعی رسیدگی کرده تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید. ترتیب فوق شامل تمامی مدعیان اعسار اعم از محبوسین و غیرمحبوسین می‌شود» (به نقل از روزنامه رسمی مورخ ۱۳۹۱/۶/۲۰، شماره ۱۹۶۶۷).

۴- ارتباط ماده ۲۲ ق.ح.خ با قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (مصوب

(۱۳۹۴

با این مقدمات به نظر می‌رسد که ماده ۲۲ ق.ح.خ قاعده جدیدی جهت وصول مهریه پیش‌بینی نکرده است؛ زیرا برای امتناع از پرداخت مهریه تا ۱۱۰ سکه بهار آزادی شوهر حبس نخواهد شد؛ مگر آن‌که همسرش ملائت وی را ثابت کند. حال چنانچه مهریه بیش از ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی نیز باشد، فقط در صورتی قابل وصول است که شوهر ملی باشد (نقی زاده باقی، ۱۳۹۲).

لذا قانونگذار با وجود این اصلاحات در خصوص بند «ج» ماده ۱۸، در مهریه مشکلی را حل نکرد. چه در گذشته و چه در حال، با نگاهی منصفانه به عدم توانایی زوجه در احصاء و معرفی اموال زوج، ملاحظه می‌شود که عملاً امکان حبس زوج به دلیل عدم پرداخت مهریه میسر نبوده است و ماده ۲۲ ق.ح.خ قبل از آن‌که لازم الاجرا شود، فاقد کارایی‌های لازم شد. تا قبل از سال ۱۳۹۱، به موجب ماده ۲۳ قانون اعسار (مصوب ۱۳۱۳)، در محکومیت‌های مالی، اصل بر ایسار شخص محکوم بود. لذا زوج که مدعی اعسار بود، باید به عنوان خواهانِ دعوای اعسار، خلاف اصل ایسار را به اثبات می‌رساند.

در سال ۱۳۹۱ به موجب بخشنامه رئیس قوه قضائیه اصل فوق بر اعسار محکومان مالی چرخش پیدا کرد. به موجب این بخشنامه، محکوم‌له برای حبس محکوم‌علیه باید ایسار وی را ثابت کند. این تحولات، در سال ۱۳۹۴ با تصویب قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی تکمیل شد.

۱- قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳، در حال حاضر به موجب ماده ۲۹ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ نسخ شده است.

ماده ۷ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (۱۳۹۴) برای رفع این تعارضات بین نصوص مختلف قانونی، با التفات به نظر مشهور فقها قاعده در خور توجهی وضع کرده است. به موجب این ماده «در مواردی که وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملائت وی داشته یا مدیون در عوض دین، مالی دریافت کرده یا به هر نحو تحصیل مال کرده باشد، اثبات اعسار برعهده اوست؛ مگر این‌که ثابت کند آن مال تلف حقیقی یا حکمی شده است. در این‌صورت و نیز در مواردی که مدیون در عوض دین، مالی دریافت نکرده یا تحصیل نکرده باشد، هرگاه خوانده دعوی اعسار نتواند ملائت فعلی یا سابق او را ثابت کند یا ملائت فعلی یا سابق او نزد قاضی محرز نباشد، ادعای اعسار با سوگند مدیون مطابق تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته می‌شود».

رویکردی که در سال ۱۳۹۱ با اصلاح بند «ج» ماده ۱۸ آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و متعاقب آن در سال ۱۳۹۴ با تصویب ماده ۷ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی بنا نهاده شد، رویکردی مثبت در جهت تکمیل نقاط ضعف ماده ۲۲ ق.ح.خ بود. وفق این رویکرد، در کلیه محکومیت‌های مالی، من جمله مهریه، در خصوص اعسار یا ایسار متعهد باید قائل به تفصیل شد:

الف - فرض نخست: مسبوق به ایسار بودن متعهد یا معاوضی بودن منشأ دین

چنانچه وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملائت وی داشته باشد یا وی در قبال دین، مالی دریافت کرده باشد (و متعهدله عوض آن مال را مطالبه کند)، در این صورت اصل بر ایسار متعهد است و اثبات خلاف اصل (اعسار) بر عهده مدعی (متعهد) است.

برای مثال، در قرارداد بیع، مبیع از دارایی بایع خارج و بایع ثمن را از مشتری مطالبه می‌کند. حال اگر بعد از تسلیم مبیع، مشتری ثمن را ندهد، اصل بر ایسار مشتری است و اثبات اعسار به عهده مشتری می‌باشد. تا لحظه اثبات اعسار، چنین مدیونی به عنوان بدهکار ماطل یا ممتنع، محبوس می‌شود.

ب- فرض دوم: غیر معاوضی بودن منشأ دین

چنانچه مدیون بابت دین، مال یا خدمتی تحصیل نکرده باشد (مانند مهریه و ضمان ناشی از دیات)، در این صورت اصل بر اعسار متعهد است و متعهدگه باید یسار او را به اثبات برساند. در این فرض، هرگاه خواننده دعوی اعسار (متعهدله) نتواند ملائت فعلی یا سابق متعهد را اثبات کند یا ملائت فعلی یا سابق متعهد نزد دادرس محرز نباشد، ادعای اعسار با سوگند متعهد پذیرفته می‌شود.

بنابراین، در حال حاضر باید ماده ۲۲ ق.ح.خ با ماده ۷ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، توأمان، ملاحظه شود.

در ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (مصوب ۱۳۹۴) آمده: «اگر استیفای محکوم‌به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد، محکوم‌علیه به تقاضای محکوم‌له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم‌له حبس می‌شود. چنانچه محکوم‌علیه تا سی روز پس از ابلاغ اجرائیه، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوی اعسار خویش را اقامه کرده باشد، حبس نمی‌شود، مگر این‌که دعوی اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود. تبصره ۱- چنانچه محکوم‌علیه خارج از مهلت مقرر در این ماده، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوی اعسار خود را اقامه کند، هرگاه محکوم‌له آزادی وی را بدون اخذ تأمین بپذیرد یا محکوم‌علیه به تشخیص دادگاه کفیل یا وثیقه معتبر و معادل محکوم‌به ارائه نماید، دادگاه با صدور قرار قبولی وثیقه یا کفیل تا روشن شدن وضعیت اعسار از حبس محکوم‌علیه خودداری و در صورت حبس، او را آزاد می‌کند. در صورت رد دعوی اعسار به موجب حکم قطعی، به کفیل یا وثیقه‌گذار ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ واقعی نسبت به تسلیم محکوم‌علیه اقدام کند. در صورت عدم تسلیم ظرف مهلت مذکور حسب مورد به دستور دادستان یا رئیس دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجرا می‌شود، نسبت به استیفای محکوم‌به و هزینه‌های اجرایی از محل وثیقه یا وجه‌الکفاله اقدام می‌شود. در این مورد دستور دادگاه ظرف مهلت ده روز پس از ابلاغ واقعی، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر است.»

به هر حال قانونگذار با تصویب ماده ۲۲ ق.ح.خ علاوه بر این‌که ظاهراً خواسته است

برخلاف اصل آزادی اراده عمل نکند، به گونه‌ای طرح مسأله کرده که طرفین عقد نکاح را مجاب کند مهریه را بیشتر از ۱۱۰ سکه تعیین نکنند. یعنی حمایت‌ها و ضمانت‌اجراهای مهریه‌های بالاتر از ۱۱۰ سکه را کم کرده است. مؤید مطلب ادامه ماده می‌باشد که عنوان نموده «چنانچه مهریه بیشتر از این میزان باشد، در خصوص مازاد، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است».

البته ممکن است این مسأله مطرح شود که ماده ۲۲ ق.ح.خ ضمانت اجرای کیفری عدم تأدیه مهر را در مورد مازاد بر ۱۱۰ سکه حذف نکرده، بلکه فقط آن را به اثبات ملائت زوج مشروط کرده است. در پاسخ می‌توان گفت این نظر با ظاهر ماده ۲۲ سازگار نیست؛ زیرا این ماده فقط مهریه تا ۱۱۰ سکه را مشمول ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی که متضمن ضمانت اجرای حبس است، دانسته است و از مفهوم آن چنین بر می‌آید که مازاد بر این مقدار، مجازات حبس ندارد و زوجه فقط با توقیف و فروش اموال مدیون بر طبق مقررات و اجرای احکام یا اسناد لازم‌الاجرا می‌تواند طلب خود را استیفا کند^۱.

در نظرات شورای نگهبان پیرامون ماده ۲۲، طرفداران عدم مغایرت این ماده با شرع معتقد بودند که «با توجه به وجود مهریه‌های سنگین و بدون حساب در جامعه، این ماده در راستای جلوگیری از تعیین این مهریه‌ها، صرفاً حمایت کیفری ابتدایی خود را از تعداد بیشتر از ۱۱۰ سکه برداشته است، و با توجه به این‌که در دیونی این چینی به خصوص در مورد جوانان، اصل بر عدم ملائت و دارایی زوج به پرداخت این دین به زوجه است، قانونگذار حمایت کیفری خویش را در بیش از این میزان، منوط به اثبات ملائت زوج کرده است. لذا این ماده مغایرتی با شرع و قانون اساسی ندارد و حتی در خصوص سایر افراد مدیون نیز، در صورتی که نسبت به سابقه ملائت یا اعسار آنان، علم وجود نداشته باشد،

۱- به موجب نظریه شماره ۷/۹۲/۱۷۸۴ - ۱۳۹۲/۹/۱۳ اداره کل حقوقی قوه قضائیه «ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (بازداشت زوج) برای مازاد بر میزان ۱۱۰ سکه بابت مهریه قابل اعمال نمی‌باشد. لکن این امر مانع از این نیست که زوجه نسبت به مازاد ۱۱۰ سکه در خصوص وصول مهریه، اموال زوج را از طریق معرفی به اجرای احکام توقیف و استیفای حق نماید» برای اطلاع بیشتر بنگرید به: مهرپور و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۳۱.

اصل بر عدم ملائت است و نباید اقدام به حبس آنان کرد» (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳، ص ۴۶).

۵- تأثیر ماده ۲۲ ق.ح.خ نسبت به گذشته

قانونگذار در قانون حمایت خانواده مشخص نکرده است که حکم ماده ۲۲ عطف به ماسبق می‌شود یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا این ماده شامل مهریه‌های تنظیم‌شده قبل از تاریخ تصویب قانون (۱۳۹۱/۱۲/۱) می‌شود یا خیر؟ در این باره بین قضات اختلاف نظر است: عده‌ای معتقدند که با توجه به ماده ۴ ق.م. که بیان می‌کند: «اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ما قبل خود اثر ندارد مگر این‌که در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد» و با توجه به حقوق مکتسبه، اثر ماده ۲۲ ق.ح.خ فقط مربوط به سند نکاح‌های بعد از تصویب است و شامل نکاح‌های قبل از آن نمی‌شود. طیفی دیگر معتقدند با توجه به فلسفه وضع ماده ۲۲ ق.ح.خ، منظور از عبارت «زمان عقد» مطلق است و شامل همه زمان‌ها می‌باشد. بنابراین قانون مذکور عطف به ماسبق می‌شود و ملاک زمان مطالبه مهریه است و لو این‌که عقد نکاح قبل از قانون حمایت خانواده باشد.^۱

به نظر ما با توجه به این‌که هدف اصلی قانونگذار از وضع ماده ۲۲ کم‌کردن زندانیان مهریه بوده است، ماده مزبور در مورد مهریه‌هایی که قبل از تصویب قانون تعیین شده‌اند، نیز لازم‌الاجرا است و نمی‌توان در این مورد به قاعده عدم تأثیر قانون در گذشته استناد کرد (صفایی و امامی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۷۸) و مؤید این مطلب عبارت «در زمان وقوع عقد» می‌باشد که حاکی از سرایت قانون به گذشته است.

یافته‌های پژوهش

در تحقیق انجام‌شده نتایج زیر به دست آمد:

- ۱- رویکرد قانونگذار در تصویب ماده ۲۲ ق.ح.خ، کاهش توقیف اشخاص در قبال دین مدنی مهریه بوده است. حبس زوج به دلیل عدم پرداخت مهریه یکی از معضلات اساسی دستگاه قضایی و خانواده‌ها بوده است.^۱
- ۲- زندان برای محکومان مالی، پیش از آن‌که ایستگاه بدهکاری آن‌ها باشد، خاستگاه بزهکاری است. به نظر می‌رسد با تصویب ماده ۲۲ ق.ح.خ و ابلاغ پاره‌ای سیاست‌های قضایی توسط ریاست قوه قضائیه و همچنین تصویب قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، معضل حبس بدهکاران مهریه تعدیل شد.
- ۳- با تصویب قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در کنار ماده ۲۲ ق.ح.خ میزان زندانیان مهریه به شدت تقلیل می‌یابد و این اقدام مقنن امری مثبت و در خور تقدیر است.^۲
- ۴- تا قبل از سال ۱۳۹۱، به موجب ماده ۲۳ قانون اعسار (مصوب ۱۳۱۳)،^۳ در محکومیت‌های مالی، اصل بر ایسار شخص محکوم بود. لذا زوج که مدعی اعسار بود باید به عنوان خواهانِ دعوای اعسار، خلاف این اصل را به اثبات می‌رساند.
- ۵- رویکردی که در سال ۱۳۹۱ با اصلاح بند «ج» ماده ۱۸ آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و متعاقب آن در سال ۱۳۹۴ با تصویب ماده ۷ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی بنا نهاده شد، رویکردی مثبت در جهت

۱- طبق آمار ارائه شده در سال ۱۳۹۳ تعداد ۲۰۴۴ نفر زندانی مهریه در کشور وجود دارد. سایت زیر را بنگرید: <http://alef.ir/vdccc1qi12bq1o8.ala2.html?233953>

۲- البته ماده ۲۲ ق.ح.خ تغییری در فرهنگ اشتباه مهریه‌های هنگفت نداده است؛ زیرا زمان انعقاد عقد نکاح برای مردان، باور و اعتقادی نسبت به پرداخت مهریه وجود ندارد و از آن سو زنان نیز با مهریه‌های هنگفت، در پی وضع یک مجازات مدنی برای روز مبدا هستند. شواهد نشان می‌دهد درصد بالایی از دختران مهریه را با این نیت بالا می‌گیرند که به امیال همسرشان مبنی بر تجدید فراش لگامی آهنین زده و بر سر راه طلاق آن‌ها (به زعم خویش) مانعی بزرگ بتراشند. در این زمینه به همان اندازه که زوج باید با نگاه به استطاعت مالی خویش مهریه را متعهد شود، به همین اندازه نیز زوجه تکلیف دارد که تعهدی را بر زمه کسی نگذارند که تا پایان عمر خویش نیز از پرداخت آن عاجز بماند. علی‌احوال این مقوله بیشتر به تغییر نگرش خانواده‌ها و فرهنگ‌سازی مرتبط است.

۳- قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳، در حال حاضر به موجب ماده ۲۹ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ نسخ شده است.

تکمیل نقاط ضعف ماده ۲۲ ق.ح.خ بود.

۶- وفق رویکرد جدید، در کلیه محکومیت‌های مالی، از جمله مهریه، در خصوص اعسار یا ایسار متعهد باید به وضعیت سابق مدیون توجه کرد: چنانچه وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملائت وی داشته باشد یا وی در قبال دین، مالی دریافت کرده باشد (و متعهدله عوض آن مال را مطالبه کند)، در این صورت اصل بر ایسار متعهد است.

۷- چنانچه مدیون بابت دین، مال یا خدمتی تحصیل نکرده باشد (مانند مهریه و ضمان ناشی از دیات)، در این صورت، اصل بر اعسار متعهد است و متعهدله باید ایسار او را به اثبات برساند.

۸- در فرض اخیر، هرگاه خواننده دعوی اعسار (متعهدله) نتواند ملائت فعلی یا سابق متعهد را اثبات کند یا ملائت فعلی یا سابق متعهد نزد دادرس محرز نباشد، ادعای اعسار با سوگند متعهد پذیرفته می‌شود.

۹- در حال حاضر باید ماده ۲۲ ق.ح.خ با ماده ۷ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ملاحظه شود.

۱۰- رویکرد کنونی قانونگذار بعد از تصویب قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (مصوب ۱۳۹۴) هم حقوق طلبکاران را مراعات می‌کند (به ویژه این‌که در قانون جدید، واحد اجرای احکام در چندین ماده مکلف شده تا «به هر نحوی که قانوناً ممکن باشد» به شناسایی اموال متعهد اقدام کند) و هم از حبس بدهکاران مهریه تا حد امکان جلوگیری به عمل می‌آورد.

منابع و مأخذ

- ❖ **القرآن الکریم**
- ❖ ایزدی‌فرد، علی‌اکبر؛ عاطفه یگانه امیری، علی پیردهی، حسین کاویار، **تعیین حداکثر مهریه توسط زن در مهرالمفوضه**، ۱۳۹۱، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران، ۴۵ (۱)
- ❖ پژوهشکده شورای نگهبان، **قانون حمایت خانواده در پرتو نظرات شورای نگهبان**، ۱۳۹۳، تهران، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، چاپ اول
- ❖ جبعی‌العاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین، **شرح لمعه**، ۱۳۶۷، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم
- ❖ _____، **الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه (المحشی - کلانتر)**، ۱۴۱۰هـ قم، کتابفروشی دآوری، چاپ اول
- ❖ حسینی مراغی، عبدالفتاح، **العناوین**، ۱۴۱۸هـ قم، انتشارات النشر الاسلامی، چاپ اول
- ❖ حلّی، حسن بن یوسف (علامه)، **ارشاد الازمان الی احکام الایمان**، ۱۴۱۰هـ قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول
- ❖ _____، **قواعد الاحکام**، ۱۴۱۹هـ قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول
- ❖ زرقاء، احمد مصطفی، **الفقه الاسلامی فی ثوبه الجدید**، بی‌تا، بیروت، دارالفکر، چاپ نهم
- ❖ شکری، فریده، «**افزایش مهریه از منظر شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری**»، ۱۳۹۱، در کتاب حقوق مالی و اقتصادی خانواده، به کوشش لیل‌اسادات اسدی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ اول
- ❖ شهیدی، سید مهدی، **مجموعه مقالات حقوقی**، ۱۳۷۵، تهران، نشر حقوقدان، چاپ اول
- ❖ صانعی، یوسف، **استفتائات قضایی**، ۱۳۸۴، تهران، انتشارات میزان
- ❖ صفایی، حسین و اسدالله امامی، **مختصر حقوق خانواده**، ۱۳۹۲، تهران، میزان، چاپ سی‌وپنجم

- ❖ ——— **حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن)**، ۱۳۹۳، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سیزدهم
- ❖ طباطبایی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ۱۳۶۸، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول
- ❖ طبسی، نجم‌الدین، **موارد السجّن فی النصوص و الفتاوی**، بی‌تا، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول
- ❖ عراقی، آقاضیاءالدین، **کتاب القضاء**، بی‌تا، قم، چاپخانه مهر، چاپ اول
- ❖ علم الهدی، مرتضی، **الانتصار فی فقه الامامیه**، ۱۳۹۱، نجف، نشر حیدریه، چاپ اول
- ❖ قربانوند، محمدباقر، **تفسیر قضایی و نقد قانون حمایت خانواده**، ۱۳۹۳، تهران، مجد، چاپ اول
- ❖ کاتوزیان، امیر ناصر، **دوره عقود معین ۱**، ۱۳۷۸، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم
- ❖ محقق‌داماد، مصطفی، **بررسی فقهی حقوق خانواده**، ۱۳۷۸، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ شانزدهم
- ❖ موسوی خمینی، روح الله، **تحریر الوسیله**، ۱۴۰۳ هـ، قم، انتشارات مدینه العلم، چاپ بیست‌وهشتم
- ❖ ——— **کتاب البیع**، ۱۴۱۵ هـ، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم
- ❖ مهرپور، حسین؛ محمد روشن، حسن محمدی، **مطالبات زوجه و روش وصول آن**، ۱۳۹۲، تهران، انتشارات جنگل، چاپ سوم
- ❖ نراقی، احمد، **عوائد الایام**، ۱۴۱۷ هـ، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول
- ❖ نقی‌زاده باقی، پیام، **پرسشی در خصوص ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده**، ۱۳۹۲، سایت حق سپید
- ❖ وحدتی‌شیرینی، حسن، «**وضعیت حقوقی مهریه‌های سنگین در نکاح دائم**»، ۱۳۸۷، مجله مطالعات اسلامی (فقه و اصول)، سال چهل‌م، ۸۱ (۱)